

نقد روایات طبّی در بستر اخلاق

نویسندگان:

محمدحسین مدبر^{۱*}

۱- گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

Journal of Education and Ethic Nursing, Volume 2, Number 1, Spring 2013

چکیده:

مقدمه: راهیابی روایات غیر معتبر به مجامع روایی، حدیث شناسان را برآن داشته است که با تکیه بر معیارهایی چند، به آسیب‌شناسی و نقّادی روایات بپردازند. این امر به دلیل فراوانی بیشتر روایات مشکل دار، در میان روایات طبّی، از ضرورت بیشتری برخوردار است. شناخت این معیارها برای تمامی کسانی که از طرفی می‌خواهند در حوزه های مشترک دین و طب، مانند اخلاق پزشکی، فقه پزشکی و قرآن پژوهی و طب دست به پژوهش بزنند و از طرف دیگر خود را ملزم به رعایت اصول و ضوابط اخلاق در وادی نقد و نقّادی می‌دانند، امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

روش کار: روش کار در تهیه محتوای این مقاله، کتابخانه ای _ تحلیلی و با مراجعه به متونی بوده که در زمینه مورد بحث برای این مقاله سخنی داشته اند. برخی از آنها بطور عینی و برخی دیگر از نرم افزارهای علوم اسلامی استخراج شده است. در مجموع به شانزده منبع مراجعه شده است.

یافته ها: عدم تطابق محتوای یک روایت با یافته های قطعی علوم و نیز ناهماهنگی آن با مشاهدات، باعث می‌شود آن روایت، غیر قابل استناد اعلام شود به همین دلیل روایتی که تعداد دنده های قفسه سینه مردان را یکی کمتر از زنان می‌داند غیر قابل استناد دانسته می‌شود.

نتیجه گیری: دو معیار از معیارهای نقد روایات یعنی: ۱. معیار عدم مخالفت با حس ۲. معیار عدم تعارض با یافته های قطعی علوم، که اتفاقاً در میان صاحب‌نظران کمتر مورد عنایت واقع شده‌اند برای پژوهشگران در حوزه‌های مشترک طب و دین مهم‌تر و کاربردی‌ترند. این مقاله دو معیار مزبور را به پژوهشگران علوم پزشکی معرفی کرده و اهمیت و نقش کلیدی آنها را یادآور شده است.

واژگان کلیدی: معیارهای نقد روایات، روایات طبّی، حس، علم، اخلاق نقد

مقدمه:

۱- معیارهای نقد روایات:

۱. رهیافت روایات غیر معتبر به مجامع روایی، حدیث شناسان را برآن داشته است که با تکیه بر معیارهایی چند به آسیب شناسی و نقّادی روایات بپردازند. ضرورت این امر به دلیل فراوانی بیشتر روایات مجعول و مخدوش در میان روایات طبّی، بیشتر احساس می‌شود. شناخت این معیارها برای تمامی کسانی که از طرفی می‌خواهند در حوزه های مشترک دین و طب، مانند اخلاق پزشکی، فقه پزشکی و قرآن پژوهی و طب دست به پژوهش بزنند و از طرف دیگر خود را ملزم به رعایت اصول و ضوابط اخلاق در وادی نقد و نقّادی می‌دانند، امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. وجود روایات مجعول در میان روایات

امری مشهود و غیرقابل انکار است در این میان عرصه طب و طبابت به دلیل شهرت و ثروتی که با خود حمل می‌کند باعث شده است که نسبت به سایر عرصه ها بیشتر مورد طمع باشد، بنابراین روایات مجعول بیشتری در میان انبوه روایات طبّی وجود داشته باشد. عالمان علم حدیث برای شناخت روایات بر ساخته از روایات اصیل معیارهایی چند معرفی نموده اند. از جمله این معیارها این است که محتوای روایت با گزاره های قطعی علوم (نظریات علمی) و نیز با مشاهد (حس) صحیح و مطابق واقع، در تضاد نباشد. بنابراین اگر روایتی چنین بود نمی‌تواند از معصومین که خود «گنجینه های دانش و قله های رفیع دانش اند» صادر شده باشد. در نوشتار حاضر این دو معیار نقد و

* نویسنده مسئول، نشانی: جهرم، بلوار مطهری، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، پردیس مرکزی

پست الکترونیک: mh3733@yahoo.com

تلفن تماس: ۰۷۹۱-۳۳۴۰۴۰۵

تاریخ پذیرش:

تاریخ دریافت:

محسوس را تنها معلوم بشر دانسته اند و برخی نیز همچون دکارت راه تفریط را پیموده و منکر ارزش معرفتی محسوسات شده اند؛ اما قرآن کریم راه میانه را معرفی نموده و همان گونه که بیان شد میان گزاره های قطعی و غیرقطعی علوم و نیز میان محسوسات واقعی و قابل اطمینان با غیر آن تفاوت قائل شده است. دو آیه زیر از این کتاب آسمانی به خوبی گویای دیدگاه قرآن در این زمینه است:

«و الله اخرجکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئا و جعل لکم السمع و الابصار و الافئده لعلکم تشرکون [۱]»

و خدا شما را از درون مادرانتان - در حالی که چیزی نمی دانستید - بیرون آورد و برای شما گوش و چشم ها و دل قرار داد باشد که سپاسگزاری کنید.

لا تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و الفواد کل الئک کان عنہ مسئولا [۲]

و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

۵- تفاوت شناخت علمی و حسی:

در مورد این دو معرفت حداقل سه تفاوت می توان بیان نمود:

اول. معرفت حسی مرحله آغازین معرفت علمی (علوم تجربی) است. بنابراین معرفت علمی جز از رهگذر معرفت حسی به دست نمی آید. به عبارت دیگر میان این دو از روابط چهارگانه منطقی، «عموم و خصوص مطلق» برقرار است، بدین بیان که هر معرفت علمی معرفت حسی نیز هست اما هر معرفت حسی لزوماً معرفت علمی نیست.

دوم. معرفت های حسی نوعاً بسیط و ساده اند و نیازمند فعالیت ذهنی فراوانی نیستند اما معرفت های علمی عمدتاً به تجزیه و تحلیل و تلاش فکری و عقلانی نیازمندند.

سوم. حاصل و ثمره معرفت حسی یک گزاره جزئی است اما محصول معرفت علمی بایستی بیان یک قاعده کلی باشد و یا دست کم موارد فراوانی را دربرگیرد.

روش کار:

روش کار در این پژوهش مراجعه مستقیم به نرم افزار های موسسه تحقیقاتی نور بویژه نرم افزار جامع احادیث شیعه ویرایش ۳.۵ و نیز مراجعه به منابع کتابخانه ای بوده است که مهمترین آنها در قسمت منابع آمده است.

بررسی روایات، معرفی و از جوانب مختلف مورد بازکاوی واقع شده و یک نمونه از روایات بر ساخته نیز بیان شده است.

۲- ضرورت بحث:

ضرورت پرداختن به این بحث برای پژوهشگرانی که در حوزه های مشترک طب و دین فعال هستند و از طرفی در عرصه نقد و نقادی خود را موظف به رعایت ضوابط و اصول اخلاقی نقد می دانند، امری واضح و بدیهی است. اصولاً نقد اندیشه های نادرست در حقیقت از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در حوزه معرفت و اندیشه است. نقد اندیشه های نادرست که می تواند این اندیشه ها برخاسته از صحیح پنداشتن روایاتی مجعول و برساخته باشد، وظیفه تمامی پژوهشگرانی است که با اصول و فنون نقد روایات آشنایی دارند. اهمیت این رسالت سترگ در زمان حاضر دو چندان است زیرا اقبال عمومی همگان بویژه پژوهشگران در کشور ما به مباحث دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران افزایش یافته است. امروزه کمتر مقاله علمی در حوزه های مشترک علم و دین می توان نشان داد که به چند روایت استناد نکرده باشد. به بیان دیگر، روایات که همواره یکی از منابع پژوهش های دینی بوده است، به یکی از منابع حوزه های فوق از جمله اخلاق پزشکی و پرستاری بدل شده است. نکته شایان توجه این که طرح این موضوع در بستر اخلاق به دلیل آن است که در میان نظام های دینی همواره یکی از منابع و مستندات اخلاق (Ethics) دین و آموزه های آن بوده است. در نظام های سکولار نیز امروزه حوزه اخلاق و حقوق چنان در تنیده شده اند که تمایز آنها امری غیر ممکن است.

۳- معیار علم و حسی:

منظور ما از علم در این نوشتار یافته های قطعی علوم است بنابراین براساس تئوری ها و آن دسته از گزاره های علمی که قطعیت آنها به اثبات نرسیده، نمی توان به نقد و ارزیابی روایات دست زد و با این توجیه که این روایات با فلان تئوری علمی منافات دارد آن را رد کرده، برچسب جعل و برساختگی به آن زد.

مقصود از حس نیز آن دسته از حقایق محسوس است که مطابق واقع و صحیح و به اصطلاح «مانند آفتاب روشن» باشد و گرنه محسوساتی که امکان خطای حواس در آنها وجود داشته باشد نمی تواند به عنوان معیار نقادی روایات معرفی گردد.

۴- ارزیابی و اعتبار معرفت علمی و حسی:

در مورد میزان اعتبار این دو، برخی همچون پوزیتیویست ها راه افراط در پیش گرفته و حس را تنها منبع شناخت بشر دانسته و

یافته ها :

با کنکاشی که به عمل آمد این حقیقت به دست آمد که از شماری از اخباری ها که بگذریم عموم فقیهان و حدیث شناسان و به طور کلی تمامی کسانی که عقل را به عنوان یکی از منابع استنباط احکام شرعی قبول دارند و قطع را حجت می دانند با معیار دانستن این دو، البته با شرایطی که بیان شد، موافق هستند. دیدگاه برخی از آنان به قرار زیر است:

۱- شیخ طوسی:

ایشان روایاتی که تعداد روزهای ماه رمضان را همواره سی روز دانسته است به دلیل مخالف بودن با عادت یعنی حس مردود شناخته اند. [۳]

۲- علامه طباطبایی:

معظم له پس از نقل روایتی از عالم شهیر اهل سنت «سیوطی» در کتاب تفسیرش الدرالمثور که مراحل آفرینش هستی و انسان را بر شش روز هفته تطبیق نموده است، این روایت را مخالف دستاوردهای قطعی علم دانسته و آن را مردود دانسته است. [۴]

۳- امام محمد غزالی:

روایتی که با عقل ضروری یا عقل نظری یا حس و مشاهد یا روایات متواتر مخالف است، مردود است. [۵]

۴- جعفر مرتضی عاملی:

نامبرده در مورد معیار حس می نویسد: عدم مخالفت با حقیقت ملموس و محسوس؛ مثلاً اگر در روایتی آمده است که خورشید هر روز از مغرب طلوع می کند یا شهر مکه در سنگاپور واقع است، از نظر ما مردود است. [۶] وی راجع به معیار علم نیز چنین نگاشته است:

اگر در روایتی آمده باشد که زمین روی شاخ گاو است یا زمین مسطح است، به خاطر مخالفت با دستاوردهای قطعی علم در این زمینه، مردود است. [۷]

۵- حسین حاج حسن:

این عالم اهل سنت در بیان معیارهای نقد روایات، دومین معیار را چنین معرفی می کند: «با قواعد عامه عقلی و حسی مخالف نباشد» نامبرده در معرفی معیار چهارم و ششم خود چنین می نگارد: «با امور بدیهی طب و فلسفه مخالف نباشد و مخالف سنت الهی در هستی و انسان نباشد». [۸]

۶- ابن حجر عسقلانی:

این عالم شهیر و حدیث شناس بزرگ اهل سنت دومین معیار نقد احادیث را «عدم مخالفت با حس و مشاهد» دانسته است. [۹]

۷- عجاج خطیب:

این حدیث شناس اهل سنت در بیان معیارهای خود دومین معیار را علم دانسته و می نویسد: «فساد متن؛ نظیر احادیثی که حس آنها را تکذیب می کند. نظیر حدیث: «الباذ نجان شفاء من کل داء» بادمجان شفای هر بیماری است.» [۱۰]

۸- محمود ابوریثه:

یکی دیگر از حدیث شناسان اهل سنت در میان معیارهای خود از معیار حس و مشاهد نام می برد و احادیثی را که عمر دنیا را تا هفت هزار سال ذکر می کند به دلیل مخالفت با این معیار مردود می شمارد. [۱۱] نامبرده در همین کتاب از معیار علم نیز یاد می کند. [۱۲]

کاستی استخوان دنده مردان نسبت به زنان:

هر چند در لابلائی دیدگاه های صاحب نظران در مورد دو معیار حس و علم، به چند مورد از روایاتی که با این دو معیار ناسازگار است اشاره شد اما برای تبیین بیشتر موضوع یک نمونه عملی ارائه و به شکل مبسوط به آن پرداخته می شود. ویژگی این روایت این است که با هر دو معیار مورد نظر ما مخالف است. خلاصه آنچه در این روایت بل روایات مشابه آمده است این است که: «خداوند حواء را از پایین ترین استخوان دنده چپ آدم آفرید بنابراین آدم و تمامی مردان یک دنده کمتر از زنان دارند. اگر در زن یا مرد بودن شخصی تردید وجود داشت یکی از راه ها این است که دنده آنها را شمارش کنند اگر کامل بود به زنان و گرنه به مردان ملحق می شود.»

تبارشناسی روایت:

این مطلب اولین بار در تورات آمده است بدین عبارت که: «و یکی از دنده هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد و خداوند آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد. و آدم گفت: همانا این است استخوانی از استخوان هایم و گوشتی از گوشتم از این سبب نساء نامیده شود زیرا که از انسان گرفته شد». [۱۳]

این مطلب به مرور زمان به مجامع روایی اهل سنت راه می یابد به گونه ای که تبدیل به دیدگاه مشهور میان مورخان و مفسران آنان می گردد. [۱۴] و از مجامع روایی اهل سنت به برخی از مجامع شیعه سرایت می کند [۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸]

گفتنی است علی رغم انعکاس روایت مزبور در برخی از مجامع روایی شیعه، مشهور فقیهان به این روایت عمل نکرده و آن را مخالف اجماع دانسته اند [۱۹]. برخی از صاحب نظران نیز

عدم منافات با احکام قطعی عقل کاملاً شناخته شده بوده و هست اما این معیارها منحصر در آن چه گفته شد نیست. برخی از قدما و شماری از متأخرین و معاصرین از دو معیار دیگر یعنی عدم منافات با حس و علم نام برده اند که کمتر مورد عنایت بوده است این نوشتار به معرفی این دو معیار و کارآمد بودن آنها در وادی پژوهش در حوزه های مشترک میان طب و حدیث به ویژه حوزه های اخلاق پزشکی، فقه پزشکی و طب سنتی تأکید کرده و یک نمونه عملی با استفاده از دو معیار پیش گفته ارائه نموده است.

همچون سیدمحسن امین به دلیل ضعف اسناد این روایات و نیز مخالفت با معیار مورد نظر ما، این روایات را غیرقابل قبول اعلام کرده اند: «و بین هذه الروایات اختلاف ظاهر و بعضها «ضعیف الاسناد و قد قیل فی اخبار عد الاضلاع بانها مع ضعفها مخالفه لقول اهل التشریح...» [۲۰].

بحث:

در میان حدیث شناسان و فقیهان، در عرصه نقد احادیث و بازشناخت احادیث اصیل از احادیث برساخته، معیارهایی همچون: موافقت یا عدم مخالفت با قرآن و سنت قطعی و نیز

References:

1. Quran; Surah 16: Verse 78. (Arabic)
2. Quran; Surah 17: Verse 36. (Arabic)
3. Shaykhtoosy M. Tahzibolahkam. Vol.4. Tehran: Aslamiyeh; 2011: 169. (Arabic)
4. Tabatabai M. Almizan. Vol.17. Qom: Jameahmodarresin; 1996: 372. (Arabic)
5. Ghazzali M. Almostasfa Beirut: Darolkotobelalmiyeh; 1999: 113. (Arabic)
6. Ameli J. Assahih. vol.1. Beirut: Darolhady; 1994: 260. (Arabic)
7. Ameli J. Assahih. Vol.1. Beirut: Darolhady; 1994: 277. (Arabic)
8. Hajhasan H. Hadith critique. Vol. 2. Beirut: Alvafa; 1985: 13. (Arabic)
9. Abnhajar A. Anokatalaketababnsalah. Riyadh: Dararayeh; 1988: 845. (Arabic)
10. Ajajkhatib M. Hadith Principles. Qom: Razi; 1985: 287. (Arabic)
11. Aboorayeh M. Alazva-o- alasonnteAlmohammadeyeh. Qom: Ansariyan; 1995: 249. (Arabic)
12. Aboorayeh M. Alazvaalasonntelmohammadeyeh. Qom: Ansariyan; 1995: 145. (Arabic)
13. Testament. Genesis. No.: 22-24. (Farsi)
14. Fakhroddinrazi M. Mafatiholghaib. Vol. 9. Beirut: Darolahya; 1995: 477. (Arabic)
15. Shaykhsadoogh M. Manlayahzoroholfaghiih. Vol. 4. Qom: Aslami; 1992: 326. (Arabic)
16. Shaykhor Ameli. Vasayeloshia. Vol. 26. Qom: Alolbayt; 1988: 287. (Arabic)
17. Shaykhtoosy M. Tahzibolahkam. vol.4,9. Tehran: Aslamiyeh; 2011: 355. (Arabic)
18. Majlesi M. Rozatolmottaghin. Vol. 11. Qom: Kooshanpoor; 1986: 366. (Arabic)
19. Nasiri A. Psychology of hadith critique. Qom: vahyvakherad; 2011: 591. (Persian)
20. Amin Seyedmohsen. AjayeboahkameamirelmomeninAli. Qom: Alghadir; 2000: 112. (Arabic)

Critique of medical narrations in an ethical context

Mohammad Hossein Modabber*¹

Received: 07/29/2012

Accepted: 11/06/2012

1. Dept. of Islamic Knowledge, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran

Journal of Education and Ethic in Nursing, Volume 2, Number 1, Spring 2013

Abstract:

Introduction:

Invalid narrations' access to narrative conventions has prompted hadith scholars to criticize and pathologize narrations relying on some criteria. The prevalence of problematic narrations in medical narrations has made this pathology more important. Recognition of these criteria seems to be indispensable for all those who seek to study in common fields of medicine and religion such as medical ethics, medical jurisprudence, Quranic studies, and medicine, and also for those committed to observe ethical principles and criteria.

Materials and Methods:

This study used documentary and analytical method by referring to texts which contained relevant arguments. Some texts have been accessed using hardcopies and others using Islamic sciences softwares. 16 sources were reviewed through the study.

Results:

Incompatibility of a narration's content with determinate findings of sciences, and also its inconsistency with observations make it non-attributable. Therefore, the narration which considers the men's chest ribs one less than women's is non-attributable.

Conclusion:

Two criteria of narration critique including 1) non-opposition to sense 2) non-conflict with the findings of determinate sciences, which incidentally have been considered less amongst scholars, is more applicable and important in common fields of religion and medicine. This article introduces the two mentioned criteria to the researchers of medical sciences and reminds their significance and central role.

Keywords: Criteria of Narration Critique, Medical Narration, Sense, Science, Criticism Ethics

* corresponding author, Email: mhm3733@yahoo.com